

روان‌شناسی و صوفیزم

محمد کاسیم

ترجمه و مدامین - مدقیان بیدگلی

سروشنامه	: کاسیم، محمد
عنوان و نام پدیدآور	: روانشناسی و صوفیزم/ محمد کاسیم؛ ترجمه محمدامین جندقیان بیدگلی.
مشخصات نشر	: ورامین: وارنا، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۱۵۴ص؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۹۹۰۰۲-۲-۲
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: عنوان اصلی: Psychology and Sufism.
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: تصوف -- روانشناسی
رژیم	: Sufism -- Psychology
موضوع	: عارفان -- راه و رسم زندگی
موضوع	: Mystics -- Conduct of life
شناسه افزودن	: جندقیان بیدگلی، محمدامین، ۱۳۷۷ - مترجم
رده بندی کنگره	: BP۲۸۷۱/۵۲۹۱۱
رده بندی دیویی	: ۷۸۷/۸۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۴۲۸۷۰۷



روان‌شناسی و صوفیزم

محمد کاسیم

مترجم: محمدامین جندقیان بیدگلی

ویراستار: سیده مرضیه حسینی هفشجانی

ناشر: وارنا

طراحی جلد: واحد گرافیک وارنا | صفحه‌آرایی: سمیه شاه حسینی

نوبت انتشار: اول؛ زمستان ۹۷ | شمارگان: ۲۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: مبین | شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۹۰۰۲-۲-۲ | قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

تلفن: ۰۹۳۰۸۴۲۸۷۷۱ - ۳۶۲۶۱۴۲۸

www.varnapub.blogfa.com

Telegram: @varnapress2017

فهرست مطالب

۹	سخن ناشر
۱۵	سخن مترجم
۱۷	سبک زندگی صوفیان (۱)
۱۷	مقدمه اولیه
۱۸	شناختی انسان مدرن
۲۰	راهنمایی برای خودمحوری
۲۲	سبک زندگی صوفیان (۲)
۲۲	آزادی توأم با نظم
۲۳	خاموشی و خودانگیختگی
۲۴	خودشناسی
۲۶	فلسفه‌ی تصوف
۳۲	یوگا
۳۵	اهمیت مراقبه
۳۸	راه خودآگاهی
۴۴	راهی به سوی آرامش مطلق
۵۰	هدف تصوف
۵۵	دانش روحانی تصوف
۶۱	رویکرد رازورانه‌ی تصوف
۶۶	تحقیقی در باب تصوف
۷۲	جاودانگی و زمان حال (۱)

۷۸	جاودانگی و زمان حال (۲)
۸۳	جاودانگی و زمان حال (۳)
۸۸	جاودانگی و زمان حال (۴)
۹۳	جاودانگی و زمان حال (۵)
۹۶	مراقبه؛ علم ترکیب
۱۰۶	مراقبه؛ بیداری حکمت
۱۱۵	مراقبه؛ هنر زندگی کلدر
۱۲۴	خودآگاهی (۱)
۱۳۰	خودآگاهی (۲)
۱۳۹	اساس فلسفه باطنگرایی
۱۴۷	نمایه

سخن ناشر

یکی از اهداف مهم نزول ادیان و کتب آسمانی، تربیت اخلاقی و سامان بخشی به نظام روانی انسان است. از این رو در همه ادیان آسمانی و مکاتبی که به ساختن فواید خلقت اذعان دارند، روش ها و تکنیک هایی برای نیل به این مهم وجود دارد. این روش ها طیف گوناگونی را از تکنیک های شناختی عقلانی، رفتاری و عاطفی در بر می گیرد. اسلام و قرآن نیز با همین رویکرد، روش هایی را برای زیست اخلاق و روانی سالم را فرا روی انسان قرار داده است. دستاورد عمل به این توصیه ها و زیستن طبق این سبک زندگی، دستیابی به بهداشت روانی و برخورداری از آرامش و سلامت ذهن و روان خواهد بود.

از سال ها پیش، پژوهش های وسیعی درباره اثربخشی تعلیم و مناسک ادیان مختلف بر سلامت یا ایجاد آسیب روانی بر روی افراد انجام شد. برخی دین را منشائی برای آسیب های روانی برش زدند و برخی دیگر به اثرات و کارکردهای مثبت دین و مناسک دینی بر روان اندیشان تأکید داشتند. گرچه هر دو طیف مدافع و مخالف اثربخشی مثبت آموزه های دینی بر سلامت روان، شواهد و دلایلی دال بر اثبات نظریات خود را ارائه دادند اما نهایتاً وجهه غالب این پژوهش های تجربی امروز بیانگر آن است که تعلیم ادیان، دست کم به آن صفت و سختی که روزی گفته می شد، نه کاملاً مؤید و مسبب بهداشت روانی اند و نه کاملاً راجع و باعث آسیب روانی. تا جایی که امروزه برخی از روان شناسان از اتحاد روان شناسی و دین، سخن می گویند.

ادیان و مناسک رسمی آنها، برای معتقدان آنها مایه آرامش، ارتقا حس امید و بهبودی، خوش حالی و طمأنینه اند و برای مخالفان آنها مایه اندوه، احساس گناه، گنجی و بهت و نوعی ناآرامی درونی. نسخه واحدی در این باره نمی توان پیچید.

دین و به طور کلی، اعتقادات انسان، همواره تیغ دو لبه‌ای بوده گاهی به کمک او برای فائق آمدن بر دشواری‌های زندگی آمده و گاهی هم بر سر خود او فرود آمده است. به همان اندازه که شواهد تاریخی پر است از سرگذشت انسان‌های رستگار، نوع‌دوست و فداکاری که با تکیه بر آموزه‌های یکی از ادیان، تا اوج قله‌های انسانیت صعود کرده‌اند، به همان میزان نیز صفحات تاریخ مملو از جویاتم است که به نام دین، تعالیم مکتب‌های مختلف و آموزه‌های مذهبی رقم خورده است. تئیسان، پیامبران و اولیای ادیان گوناگون در یک سر و بیدارن خودشیفته، بدخاپندار و متعصبان کور و خودخواهان نیز در سوی دیگر این پاره‌خط قرار دارند. تعداد کسانی نظیر فروید نیز که دین عامل ایجاد آسیب روانی می‌دانست متأثران هم مشاهده‌ات بود.

دنیای جدید، سه نیار اساسی انسان را در اولین و حداکثر دومین سطح از وجودش ارضا کرد: رفاه، بهداشت و تفریح. به انسان هدیه داد تا ضامن بقای بیشتر او در دنیا باشد، تا سر حد اسباب آوری نیاز اساسی بشر را در مورد کشف جهان پیرامونش ارضا کرد و انسان به اندازه همان دورانی که از ظهورش بر زمین گذشته، امروز به زیر و زیر جهان پیرامونش نگاه است؛ عناصر را می‌شناسد، هسته اتم را می‌شکافد، به فضا سفر می‌کند. تا احوال اقبوسرها را کشف می‌کند همچنین نیاز انسان به عشق در قالب آزادی‌های جنس و سرریز شدن زنان به جامعه ارضا شد. نیروی مکتوم خلقت که در وجود زن نهفته بود آزاد شد و امروز گویی دیگر چیزی برای پنهان کردن از بشر وجود ندارد. اما فقط این همه پیشرفت، دستاورد جهان مدرن نبود. سبک زندگی‌ای که در این جهان تازه به انسان تحمیل شد، برای او خودکشی، دیگرکشی، ناآرامی، التجا به مواد مخدر، پناه بردن به ادیان و مکاتب خودساخته، بدبینی به دیگران و در یک کلام، تنهایی را به ارمغان آورد. انسان مدرن، بسیار تنها تر از هم‌نوعان خود در دنیای سنتی شد.